



Supervision by a Specialized Judicial Body over the Execution of Punishments: A Comparative Study in French and Iranian Law

Mohammad-Ali Babaei^{1✉} | **Adnan Qasem**²

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Law, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. Email: m.babaei@soc.ikiu.ac.ir
2. MA Graduate in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. Email: adnanqasem88@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Received: 6 October 2024
Revised: 18 March 2025
Accepted: 7 April 2025
Available Online: 12 May 2025

Keywords

Supervising Judge, Real Judicial Supervision, Judge Responsible for the Enforcement of Sentences, Judge for the Enforcement of Criminal Verdicts, Execution of Punishment, Criminal Procedure Code.



Abstract

With the development of criminal law theory and the advancement of concepts such as reconstruction and rehabilitation of the convict, the attention of jurists and scholars has been drawn to the process of punishment execution, leading some jurists to advocate for the specialization of the judge supervising this execution. The efforts of jurists and scholars have resulted in the formation of a specialized judicial body for supervising the execution of punishments. Although the legislators of France and Iran have followed the principle of specializing the supervising judge, the organizational positions of their supervisory bodies and the scope of punishments subject to their supervision differ. In France, the supervision of custodial and certain liberty-restricting sentences is entrusted to the *juge de l'application des peines* (Judge for the Enforcement of Sentences) (judge responsible for the enforcement of sentences), who is selected from among sitting judges. In Iran, on the other hand, the Judge for the Enforcement of Criminal Verdicts operates under the supervision of the public prosecutor and oversees a broader range of punishments, not limited to custodial or liberty-restricting sentences. The findings of the present research, conducted using a descriptive-analytical method, reveal that real and purposeful judicial supervision is not achieved merely by the intervention of any judge in the execution process to pursue and follow up on the punishment. Rather, such supervision, on the one hand, requires the intervention of an independent and impartial judge as the supervising judge, who must possess characteristics such as judicial experience and knowledge of penal requirements and prohibitions. On the other hand, binding supervisory authority and a position superior to the administrative officials overseeing the punishment's execution must be envisaged for this judge. Based on this criterion, judicial supervision over the execution of punishments in French law, compared to Iranian law, has assumed a more judicial character and has taken a positive step towards realizing the modern objectives of punishment.

Cite this article: Babaei, M.A.; Qasem, A. (2024). Supervision by a Specialized Judicial Body over the Execution of Punishments: A Comparative Study in French and Iranian Law. *Criminal Law Doctrines*, 21(28), 7-34. <https://doi.org/10.30513/cld.2025.6374.2037>



© The Author(s). Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



مطالعه تطبیقی نهاد قضایی ناظر بر اجرای مجازات در حقوق ایران و فرانسه

محمدعلی بابایی^۱ | عدنان قاسم^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران
رایانامه: m.babaei@soc.ikiu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران. رایانامه: adnanqassem88@gmail.com

چکیده

با پیشرفت اندیشه‌های حقوق کیفری و استحکام مفاهیم بازسازی و بازپروری محکوم علیه، توجه حقوق دانان و اندیشمندان به فرایند اجرای کیفر جلب شده و عده‌ای از حقوق دانان نیز به تخصصی شدن قاضی ناظر بر اجرای کیفر روی آوردند. تلاش‌های حقوق دانان و اندیشمندان منجر به شکل‌گیری نهاد قضایی متخصص جهت نظارت بر اجرای کیفر شده است. قانون‌گذاران فرانسه و ایران با این‌که از اصل تخصصی شدن قاضی ناظر پیروی نموده‌اند، اما جایگاه سازمانی نهادهای ناظر و مجازات‌های مشمول نظارت آن‌ها از همدیگر متمایز است. قانون‌گذار فرانسه وظیفه نظارت بر اجرای مجازات‌های سالب آزادی و برخی از مجازات‌های محدودکننده آزادی را به قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها که از میان قضات نشسته برگزیده می‌شود، واگذار کرده است. در مقابل، قانون‌گذار ایران اجرای احکام کیفری را که تحت ریاست دادستان انجام وظیفه می‌نماید پیش‌بینی کرده است، لکن مجازات‌های مشمول نظارت این قاضی به مجازات‌های سالب و محدودکننده آزادی محدود نمی‌شود، بلکه فراتر از آن و در دایره‌ای وسیع‌تر است. یافته‌های پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده، نمایانگر آن است که نظارت قضایی، واقعی و هدفمند با مداخله هر قاضی در فرایند اجرا به منظور تعقیب و پیگیری اجرای کیفر محقق نمی‌شود، بلکه این نظارت از سویی، مستلزم مداخله یک قاضی مستقل و بی‌طرف به عنوان قاضی ناظر است که باید از ویژگی‌هایی چون داشتن سابقه قضایی و دانستن بایدها و نبایدهای کیفری برخوردار باشد. از سوی دیگر، باید اختیارات نظارتی الزام‌آور و جایگاهی بالاتر از مقام‌های اداری ناظر بر اجرای کیفر برای او پیش‌بینی شده باشد. بر اساس این معیار، نظارت قضایی بر اجرای کیفر در حقوق فرانسه در مقایسه با حقوق ایران، سنخیت قضایی بیشتری به خود گرفته است و در راستای تحقق بخشیدن به اهداف مدرن کیفر گامی مثبتی برداشته است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲

کلیدواژه‌ها

قاضی ناظر، نظارت قضایی
واقعی، قاضی اعمال‌کننده
مجازات‌ها، قاضی اجرای
احکام کیفری، اجرای کیفر،
آیین دادرسی کیفری.

استناد: بابایی، محمدعلی؛ قاسم، عدنان. (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی نهاد قضایی ناظر بر اجرای مجازات در حقوق ایران و فرانسه. آموزه‌های حقوق کیفری، ۲۱(۲۸)، ۳۴-۷.

<https://doi.org/10.30513/cld.2025.6374.2037>



مقدمه

به دلیل ناکامی نظارت اداری و نظارت مقام‌های قضایی عمومی بر اجرای کیفر و ناسازگاری آن با اهداف بازسازی و بازپروری محکوم علیه که از مهم‌ترین اهداف کیفر در دوره علمی و مدرن حقوق کیفری قلمداد می‌شود،^۱ بسیاری از حقوق دانان و اندیشمندان با اذعان به عدم کارایی نظارت اداری بر فرایند اجرای کیفر، تخصصی شدن نظارت قضایی را مطرح نموده‌اند.^۲

پیشینه تاریخی این ایده، مورد اختلاف نظر حقوق دانان و پژوهشگران حقوقی است. برخی از پژوهشگران معتقدند که این ایده برای اولین بار در حقوق یوگسلاوی در سال ۱۹۲۹م مطرح شد، و عده‌ای دیگر بر این باورند که قانون مجازات ایتالیا مصوب سال ۱۹۳۰م در زمینه تخصصی شدن قاضی برای نظارت بر اجرای کیفر، پیشگام بوده است (سیدهم، ۱۹۸۶، ص ۲۵۰). فیلیبو گراماتیکا، نظریه پرداز افراطی دفاع اجتماعی، کوشید تا ایده تخصصی شدن قاضی ناظر بر اقدامات دفاع اجتماعی را به مکتب دفاع اجتماعی نسبت دهد (Gramatica, 1964, p. 554)، درحالی‌که مارک انسل، اندیشمند معقول و میانه‌رو جنبش دفاع اجتماعی جدید، به گسترش قاعده تاریخی دفاع اجتماعی اهمیت می‌دهد، به طوری که وابستگی آن به گراماتیکا را منتفی می‌داند (یاسین، ۱۹۷۳، ص ۸۷-۸۸) و ایده تخصصی شدن قاضی ناظر بر اجرای کیفر را به اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری در سال ۱۸۸۹م منتسب می‌کند (انسل، ۱۳۹۵، ص ۴۷).

سیر تحولات اندیشه‌های حقوق کیفری در اروپا که می‌توان آن را در فعالیت‌های کنگره‌های بین‌المللی ملاحظه کرد، نشان می‌دهد که ایده تخصصی شدن قاضی برای نظارت بر اجرای کیفر، روند تدریجی داشته است و ریشه تاریخی آن به کشور ایتالیا و دقیقاً کمیته‌های ناظر زندان‌ها^۳ برمی‌گردد. این کمیته‌ها در نیمه دوم قرن نوزدهم تقریباً وظیفه نظارت بر زندان‌ها و زندانیان را داشتند. حقوق دانان برجسته ایتالیا در سومین کنگره بین‌المللی حقوق کیفری و زندان‌بانی که در رم و در سال ۱۸۸۵م برگزار شد، ایده قضایی شدن کمیته‌های نظارتی را مطرح کردند. بارسانتی (Barsanti)، وکیل ایتالیایی، پیشنهاد داد که این کمیته‌ها از این افراد

۱. قانون‌گذار فرانسه در بند ۲ ماده ۱۳۰-۱ قانون مجازات مصوب سال ۱۹۹۲م صراحتاً چنین اهدافی را یاد کرده است.

۲. پژوهشگرانی معتقدند که در حال حاضر، فرایند اجرای کیفر در حقوق فرانسه ماهیت قضایی دارد. به نظر می‌رسد آن دسته از پژوهشگران، اجرای کیفر را با اعمال کیفر اشتباه گرفته‌اند. در واقع، فرایند اجرای کیفر ماهیتاً فرایند اداری است، اما اعمال کیفر در حقوق فرانسه سنخیت قضایی و تخصصی را به خود می‌گیرد (نک: رودسرابی، ۱۳۹۱، ص ۲).

3. Commissions de surveillance des prisons

تشکیل شوند: رئیس دادگاه تجدیدنظر به عنوان رئیس کمیته، دادستان، یک رئیس دادگاه، وکیل پادشاه، شهردار، سه مشاور از محله‌ای که زندان در آن واقع است و پنج نفر که مقام‌های مذکور برگزیده‌اند (C.P.P.I. – ROME – 1885, p. 333).

از آن زمان به بعد، ایده تخصصی شدن قاضی برای نظارت بر اجرای کیفر اهمیت خاصی یافت و در بسیاری از کنگره‌های بین‌المللی مطرح شد (ضریف، ۲۰۱۹، ص ۱۸۵-۱۸۸). بدون تردید، نفوذ آموزه‌های بازپذیری و بازسازی بزهکار در حقوق کیفری اهمیت مداخله قاضی ناظر بر اجرای کیفر را مضاعف کرده است. برخی کشورها از جمله فرانسه متأثر از کنگره‌های بین‌المللی و آموزه‌های بازپذیرسازی اجتماعی و بازسازی بزهکار، به ایده تخصصی شدن نظارت قضایی بر اجرای کیفر توجه کرده‌اند و متعاقباً قانون‌گذار ایران نیز از این رویکرد پیروی نموده است (جعفرزاده، ۱۳۸۷، ص ۱۲-۱۴)، گرچه هنوز باید حقوق کیفری شکلی ایران را در این زمینه مبتدی دانست. به این ترتیب، تلاش‌های حقوق‌دانان و اندیشمندان طرفدار تخصصی شدن نظارت قضایی بر اجرای کیفر بی‌ثمر نبوده و باعث شده است تا برخی قانون‌گذاران، از جمله قانون‌گذاران فرانسه و ایران به تأسی از حقوق ایتالیا از این رویکرد پیروی نمایند.

قانون‌گذار فرانسه نهاد قضایی متخصصی با عنوان «نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها» ایجاد کرده و وظیفه نظارت بر اجرای کیفرهای سالب آزادی و نهادهای ارفاقی وابسته به آن‌ها و برخی از کیفرهای محدودکننده آزادی و تعهدات ناشی از آن‌ها را در اختیار آن قرار داده است (Aliné a 1 de l'art. 712-1 C.P.P.). قانون‌گذار ایران نیز به نوبه خود در ماده ۴۸۹ ق.آ.د.ک.، قاضی اجرای احکام کیفری را که به نظر می‌رسد اطلاعات قضایی کافی در زمینه اجرای احکام کیفری دارد یا لاقلاً توقع داشتن تخصص لازم در اجرای احکام کیفری از وی وجود دارد، پیش‌بینی کرده است. به علاوه، در بند «پ» از ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی شیوه استقرار و اجرای وظایف معاونت اجرای احکام کیفری در زندان‌ها مصوب ۱۳۹۵ ش، به قاضی مستقر در زندان‌ها و مؤسسات کیفری اشاره کرده است.

به طور کلی، هدف از نظارت قضایی^۴ این است که قضات وابسته به قوه قضائیه، وظیفه پیگیری مداوم و مستمر اجرای کیفر را بر عهده بگیرند.^۵ تأمین این هدف مستلزم پیش‌بینی

4. Supervision judiciaire

۵. برای جلوگیری از خلط بحث، باید اجرای کیفر (Exécution de la peine) را از اعمال کیفر (Application de la peine) تفکیک

شاخصی جهت تعیین درجه و میزان قضایی و تخصصی شدن نظارت بر اجرای کیفر است، زیرا مداخله هر قاضی در فرایند اجرا به منظور تعقیب و پیگیری اجرای کیفر، همواره نظارت وی را به نظارت قضایی و متخصص مبدل نمی‌نماید.

نظارت قضایی بر اجرای کیفر مستلزم برخورداری قاضی از ویژگی‌های شکلی و ماهوی قضایی است. از این رو، اگر قاضی‌ای فرایند اجرای کیفر را کنترل کند یا از محکومان و مؤسسات کیفری^۶ بازدید نماید، بی‌آنکه جوانب قضایی خود را به کار گیرد، نظارتش نظارتی قضایی، واقعی و هدفمند محسوب نمی‌شود، بلکه نظارتی نمایشی و ناکارآمد است.

در مقام اجرا، شاخص‌های قضایی شکلی و ماهوی باید به گونه‌ای اعمال گردد که میزان قضایی شدن نظارت بر اجرای کیفر مشهود باشد. به این ترتیب، قاضی ناظر از یک سو، باید از اصول قضایی مشتمل بر استقلال و بی‌طرفی و از ویژگی‌های لازم مانند داشتن سابقه قضایی و دانستن باید و نبایدهای کیفری برخوردار باشد و از سوی دیگر، دارای قدرت الزام‌آور و جایگاهی بالاتر از مقام‌های اداری ناظر بر اجرای کیفر باشد. به نظر می‌رسد قسمت دوم شاخص مذکور، پیامد و نتیجه الزامی قسمت اول آن است. در واقع، شاید فراتر از آن بتوان ادعا کرد که استقلال و بی‌طرفی قاضی، باید به منظور فراهم آوردن اختیارات الزام‌آور باشد. به این ترتیب، نظارت بر اجرای کیفر کاملاً شأن و منزلت قضایی به خود می‌گیرد. در واقع اگر قاضی‌ای نامستقل و جانب‌دار، بر اجرای کیفر نظارت داشته باشد و یا مستقل و بی‌طرف باشد، لکن اختیارات نظارتی الزام‌آور و جایگاه بالایی در فرایند اجرا نداشته باشد، نظارت وی نظارتی قضایی محسوب نمی‌شود، اما در صورتی که این قاضی استقلال، بی‌طرفی و اختیارات نظارتی الزام‌آور را داشته باشد، لکن از نحوه برخورد با محکومان، به ویژه در مجازات سالب آزادی اطلاع نداشته باشد، علی‌رغم این‌که نظارت وی نظارتی قضایی محسوب می‌شود، اما این نظارت واقعی و هدفمند نخواهد بود. نظارت قضایی علاوه بر این‌که متعهد به رعایت

➤ کرد. اجرای کیفر روندی ماهیتاً اداری است که طی آن، کیفرهای آنی به محض اجرای حکم محکومیت، و کیفرهای مدت‌دار به محض سپری شدن مدت، به سرانجام می‌رسد، اما اعمال کیفر یک اختیار کاملاً قضایی و مستلزم صدور احکام و قرارهایی است که دربردارنده سنخیت قضایی باشد. لذا در مباحث اجرای کیفر، از اصطلاح نظارت قضایی استفاده می‌شود، اما اعمال کیفر به مداخله قضایی و فرانتارتی نیاز دارد.

6. Établissement pénitentiaire

قانونی بودن اجرای مجازات‌هاست، اصلاح و بازسازی محکومان را نیز مدنظر قرار می‌دهد. بنابراین، پژوهش پیش‌رو نظارت قضایی تخصصی، واقعی و هدفمند را بررسی می‌کند. باتوجه به تحولات چشم‌گیری که حقوق فرانسه در زمینه تخصصی شدن نظارت قضایی بر اجرای کیفر دارد، بررسی رویکرد حقوق ایران با هدف استفاده از تجربه کشورهای دیگر به‌ویژه حقوق فرانسه در این زمینه مفید خواهد بود. در حقوق ایران، به‌رغم این‌که قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نوآوری‌های متعددی در زمینه تخصصی شدن نظارت قضایی بر اجرای کیفر داشته، به نظر می‌رسد که از تحولات حاصل در این زمینه بی‌بهره مانده است و جای خالی آن به شدت احساس می‌شود. مقاله پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن شناسایی دلایل شکل‌گیری و استحکام نظارت نهاد قضایی متخصص بر اجرای کیفر، در پی پاسخ به این پرسش است که الگوی مطلوب نظارت قضایی، واقعی و هدفمند بر اجرای کیفر از چه اقتضائات و ویژگی‌هایی برخوردار است؟ برای پاسخ به این پرسش، نخست، نحوه تشکیل نهاد قضایی ناظر بر اجرای کیفر و صلاحیت محلی آن تحت عنوان جایگاه سازمانی نهاد قضایی عهده‌دار نظارت بر اجرای کیفر، بررسی می‌شود، سپس قلمرو نظارت نهاد قضایی متخصص و گونه‌شناسی کیفرهای مشمول این نظارت تحلیل می‌گردد و در نهایت، میزان سنخیت قضایی نظارت بر اجرای کیفر و وجوه اشتراک و افتراق این نظارت در حقوق فرانسه و ایران بیان و ارزیابی می‌شود.

۱. جایگاه سازمانی نهاد قضایی ناظر بر اجرای کیفر

برای تعیین میزان استقلال و بی‌طرفی نهاد قضایی عهده‌دار نظارت بر اجرای کیفر و آشنایی با میزان توجه به نظارت قضایی بر اجرای کیفر در حقوق فرانسه و ایران، باید به نحوه تشکیل نهاد قضایی ناظر بر اجرای کیفر و صلاحیت محلی قاضی عهده‌دار این نظارت پرداخته شود.

۱-۱. نحوه تشکیل نهاد قضایی ناظر بر اجرای کیفر

ساختار نهاد قضایی ناظر بر اجرای کیفر و نحوه انتصاب قاضی عهده‌دار این نظارت در حقوق فرانسه در مقایسه با حقوق ایران، تفاوت چشم‌گیری دارد.

۱-۱-۱. ساختار نهاد قضایی ناظر بر اجرای کیفر

نظارت از سوی یک قاضی متخصص، و نه قضات متعدد، در حقوق فرانسه سابقه دارد. ایده

نظارت قاضی واحد متخصص بر اجرای کیفر به پایان جنگ جهانی دوم و دقیقاً به شکل‌گیری برنامه اصلاح زندان بانی در سال ۱۹۴۵م که معروف به اصلاح «امور» است، باز می‌گردد. پول امور (Paul Amor) در دسامبر سال ۱۹۴۴م زمانی که عضو کمیته اصلاح قانون زندان بانی بود، این ایده را ابداع نمود. این کمیته در ماه مه سال ۱۹۴۵م برنامه‌ای اصلاحی مشتمل بر چهارده اصل پیشنهاد داد و متعاقباً مقام‌های صلاحیت‌دار، آن را به اجرا گذاشتند. این اصول از مکتب دفاع اجتماعی و تجارب بلژیک و پرتغال تأثیر پذیرفته بود (Carlier, 2009, p.15). اصل نهم برنامه مذکور، یک قاضی به نام قاضی اجرا را پیش‌بینی نمود و یک سری اختیارات را به وی واگذار کرد (Hedhili-Azé ma, 2019, pp. 2-3).

حقوق دانان فرانسوی با این‌که اصلاح «امور» را به عنوان انقلاب در اندیشه‌های حقوق کیفری و زندان بانی تلقی کردند، اما در آن زمان، قاضی اجرای مجازات که برنامه «امور» پیشنهاد کرده بود، مورد توجه قرار نگرفت، بلکه به موجب قانون اصلاحیه قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۹۵۸م^۷ جایگاه قانونی قاضی اجرای مجازات مشخص شد و نام وی به قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها تغییر یافت (Goudarzi, 2011, p.47).

در حال حاضر، قانون‌گذار فرانسه نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها را به عنوان نهاد قضایی متخصص پیش‌بینی کرده و مقرر داشته است که «قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها»^۸ و «دادگاه اعمال مجازات‌ها»^۹، نهاد قضایی اعمال مجازات‌های درجه بدوی را تشکیل می‌دهند^{۱۰} که در شرایط پیش‌بینی شده قانون، کیفیت و شیوه‌های اصلی اجرای مجازات‌های سالب آزادی و برخی از مجازات‌های محدودکننده آزادی را تعیین می‌کند. علاوه بر این، این نهاد قضایی می‌تواند به منظور تقویت نظارت بر اجرای مجازات، هر تغییری را که ضروری بداند، به عمل آورد (Aliné a 1 de l'art. 712-1 C.P.P.). در واقع، نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها در حقوق فرانسه

7. Ordonnance 58-1296 du 23 décembre 1958 modifiant et complétant le C.P.P. entrée en vigueur le 2 mars 1959, JORF, 24 décembre 1958, pp.11711 et suiv.

8. Juge de l'application des peines (JAP)

9. Tribunal de l'application des peines (TAP)

۱۰. طبق ماده (۷۱۲-۳) ق.آ.د.ک. فرانسه دادگاه اعمال مجازات‌ها در سطح دادگاه تجدیدنظر تشکیل می‌شود. به دلیل این‌که رئیس این دادگاه همان قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها و نقش نظارت این دادگاه غیرمستقیم است، لذا بررسی آن از حیطه این پژوهش خارج است.

نقشی سه‌گانه ایفا می‌کند. نقش بنیادین آن این است که کیفر سالب و محدودکننده آزادی را اعمال می‌نماید. منظور از اعمال این کیفرها صادر کردن نهادهای ارفاقی وابسته به کیفر سالب آزادی و تعهدات وابسته به برخی از کیفرهای محدودکننده آزادی است. این صلاحیت بی‌نظیر، جنبه‌ای قضاوتی نسبت به کیفرهای مدت‌دار متعرض آزادی تردد، به خود می‌گیرد (کوشا، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷). به همین دلیل قانون‌گذار فرانسه عبارت «اعمال کیفر» را به عبارت «اجرای کیفر» ترجیح داده است. ازاین‌رو، این نهاد اصولاً هرگز حکم محکومیت را به اجرا نمی‌گذارد، بلکه نهاد دادستانی عمومی علی‌القاعده عهده‌دار انجام این وظیفه است (Alinéa 1 de l'art. 708 C.P.P.). اعمال کیفرهای فوق‌الذکر و نهادهای ارفاقی وابسته به آن مستلزم نظارت بر اجرای این موارد است. بنابراین، نقش نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها نقش تکمیلی و جدایی‌ناپذیری شمرده می‌شود. افزون بر این، قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها نیز در برخی موارد، از جمله در زمینه اعاده حیثیت^{۱۱} اظهارنظر می‌نماید (art. 791 C.P.P.). به این ترتیب ملاحظه می‌شود که در حقوق فرانسه به دلیل تسری بارقه‌هایی از ویژگی‌های دادرسی به مرحله اجرای حکم کیفری نظارت و حضور نهاد قضایی متخصص ضرورت پیدا کرده است.

در حقوق کیفری ایران تا قبل از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ ش، مقوله اجرای احکام از سوی یکی از معاونان دادستان با عنوان دادپار اجرای احکام که بعضاً قاضی اجرای احکام نیز شناخته می‌شد، تحت ریاست و نظارت دادستان صورت می‌پذیرفت. بنابراین، عملاً به‌عنوان نهادی مستقل و با عنوان قاضی اجرای احکام، آن‌هم با اختیارات تعریف‌شده قانون‌گذار، شناسایی نشده بود. سرانجام پس از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ ش بود که قاضی اجرای احکام کیفری به رسمیت شناخته شد. (امیری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۴۹۶). قانون‌گذار ایران این قاضی را جزء تشکیلات معاونت اجرای احکام کیفری دانسته است (ماده ۴۸۵ ق.آ.د.ک.). قاضی اجرای احکام کیفری در حقوق ایران نقش چندگانه‌ای ایفا می‌نماید و وظایف گسترده‌تری از همتای خود در حقوق فرانسه بر عهده می‌گیرد (ماده ۴۸۹ ق.آ.د.ک.). نقش اول آن این است که دستور اجرای احکام کیفری لازم‌الاجرا را صادر می‌نماید و همان‌گونه که از نام این قاضی پیداست، قانون‌گذار نقش اجرای احکام کیفری را نقشی بنیادین قلمداد کرده است. در کنار این صلاحیت، قاضی اجرای احکام کیفری بر شیوه اجرای

احکام، زندان‌ها و برخی از مجازات‌های دیگر نظارت می‌نماید (ماده ۴۹۵ ق.آ.د.ک.). همچنین در موارد اعمال کیفرهای سالب و محدودکننده آزادی، این قاضی گاه به مقام صلاحیت‌دار مشورت می‌دهد و گاه به اخذ تصمیم مبادرت می‌ورزد، اما این نقش اخیر در حقوق ایران در مقایسه با نقش قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در حقوق فرانسه کم‌رنگ است.

قاضی اجرای احکام کیفری در حقوق ایران مقامی است در معاونت اجرای احکام که تحت ریاست و نظارت دادستان عمل می‌کند و اصلی‌ترین وظیفه وی نظارت بر اجرای صحیح مجازات‌هاست. با این‌که قانون‌گذار ایران سعی داشته است که قضایی شدن نظارت این قاضی را تقویت نماید، ولی به نظر می‌رسد قاضی اجرای احکام کیفری همان دادیار اجرای حکم در قوانین قبلی است، با این تفاوت که قاضی اجرای احکام کیفری طبق تبصره ماده ۴۸۵ ق.آ.د.ک. باید حداقل سه سال سابقه خدمت قضایی داشته باشد.

۲-۱-۱. نحوه انتصاب قاضی ناظر بر اجرای کیفر

نظارت قضایی بر اجرای کیفر در حقوق فرانسه با صدور قانون اصلاحیه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۹۵۸م وارد دوره جدیدی شده است. قانون‌گذار فرانسه تلاش کرده است تا نهاد نظارتی متفاوتی از آنچه در حقوق اروپا پیش‌بینی شده بود را بنیان نهد. مطابق قانون مزبور، قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها، از سوی وزیر دادگستری^{۱۲} و پس از جلب نظر شورای عالی قضات از بین قضات دادگاه عالی به مدت سه سال با قابلیت تجدید، منصوب می‌شد و به همان شیوه وظیفه وی به پایان می‌رسید. در صورت غیبت و یا بیماری قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها یا حدوث دیگر موانع، دادگاه عالی جانشین او را تعیین می‌نمود؛^{۱۳} امری که انتقادات حقوق‌دانان فرانسه را برانگیخت، زیرا منصوب کردن و کنار گذاشتن قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها از سوی وزیر دادگستری که در شمار مقام‌های قوه مجریه است، استقلال قوه قضائیه و استقرار نظام دادرسی را به مخاطره می‌انداخت (بلغیث، ۲۰۰۸، ص ۷۰). لذا قانون‌گذار فرانسه در قانون اصلاحیه مصوب سال ۱۹۷۲م، اختیار تعیین و انتصاب قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها را از وزیر دادگستری سلب نمود و به رئیس جمهور واگذار کرد و به این ترتیب، برخی از انتقادات حقوق‌دانان برطرف شد (art. 36 de la Loi n 72-1226 du 29 décembre 1972)، اما آنچه در قانون

12. Arrêt

13. Art.721 C.P.P. de 1958 avant la modification.

اصلاحیه سال ۱۹۷۲م قبول نمی‌شد، تعیین دوره سه ساله برای انجام وظیفه قضایی اعمال‌کننده مجازات‌ها بود، زیرا این مقررات منجر شده بود تا قضایی اعمال‌کننده مجازات‌ها به تکالیف خود اهمیت ندهد و به کارمندی اداری مبدل گردد (بلغیث، ۲۰۰۸، ص ۷۱).

این وضعیت تا صدور قانون سازگار کردن نهاد قضایی با تحولات بزهکاری در سال ۲۰۰۴م^{۱۴} که به قانون «پربن ۲» (Perben II) معروف و مأخوذ از نام وزیر دادگستری فرانسه است، که طرح این قانون را به مجلس ملی معرفی و از آن دفاع کرد، ادامه داشت (Kramer, 2005, p.183). این قانون احکام منحصربه‌فردی را مقرر کرده است که در هر دادگاه عالی،^{۱۵} یک یا چند قضایی نشسته مکلف‌اند تا وظایف قضایی اعمال‌کننده مجازات‌ها را بر عهده گیرند. این قضات را رئیس جمهور^{۱۶} و پس از مشورت با شورای عالی قضات منصوب می‌کند و وظیفه آنان به همان شیوه به پایان می‌رسد. چنانچه قضایی اعمال‌کننده مجازات‌ها نتواند به طور موقت وظایفش را انجام دهد، رئیس دادگاه عالی قضایی دیگری را جایگزین او می‌کند. قضایی اعمال‌کننده مجازات‌ها به منظور انجام کار خود، از یک نویسنده دادگستری که از نویسندگان دبیرخانه دادگاه است استفاده می‌کند (art. 712-2 et art. D49-29 C.P.P). سرانجام، قانون‌گذار فرانسه حدود اختیارات قضایی اعمال‌کننده مجازات‌ها را گسترش داده و مقرر کرده است:

” در هر دادگاه قضایی، یک یا چند قضایی نشسته که فهرست اسامی آنان به موجب دستور صادرشده رئیس جمهور تعیین می‌شود، مکلف‌اند وظایف قضایی اعمال‌کننده مجازات‌ها را بر عهده گیرند [...] و رئیس دادگاه قضایی را جایگزین رئیس دادگاه عالی کرده است [...] (art. 712-2 C.P.P).“

با این اوصاف، قانون‌گذار برای برخی قلمروهای فرادریایی استثنا قائل شده و وظیفه قضایی اعمال‌کننده مجازات‌ها را به رئیس دادگاه بدوی^{۱۷} واگذار کرده است (art. 868-1 et art. 934 C.P.P). بی‌تردید، قضایی اعمال‌کننده مجازات‌ها در حقوق فرانسه از میان قضات نشسته برگزیده

14. Loi n 2004-204 du 9 mars 2004 portant adaptation de la justice aux évolutions de la criminalité et en vigueur le 1er janvier 2005.

15. Tribunal de Grande Instance (TGI)

16. D'Écret

17. Tribunal de Première Instance (TPI)

می‌شود، نه از میان قضات ایستاده. همچنین ملاحظه می‌شود که این قاضی از انجام وظایف خود در دادگاه اصلی ممنوع نیست، بلکه یک یا چند قاضی از قضات این دادگاه علاوه بر انجام تکالیفشان، وظیفه اعمال مجازات‌ها و نظارت بر اجرای آن را بر عهده می‌گیرند (وزیر، ۱۹۷۸، ص ۳۷۴). این شیوه انتصاب و نحوه عملکرد، هم استقلال و بی‌طرفی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها را فراهم می‌آورد، هم در افزایش اختیارات نظارتی این قاضی و تقویت دانستن باید‌ها و نبایدهای کیفری وی نقشی کلیدی ایفا می‌نماید.

در نظام کیفری ایران، در هر دادسرا معمولاً بخشی به نام اجرای احکام کیفری فعالیت می‌کند. در دادگاه‌های بخش که تفکیکی بین دادسرا و دادگاه نیست، دادرس بخش - و در غیاب وی با دادرس علی‌البدل - وظایف دادستان که از جمله نظارت بر اجرای احکام کیفری است را نیز انجام می‌دهند. در هر شعبه اجرای احکام، قاضی اجرای احکام حضور دارد و این شعب نیز تحت نظر سرپرست اجرای احکام فعالیت می‌کنند (فتحی و اقبالی، ۱۳۹۵، ص ۲). قاضی اجرای احکام کیفری به عنوان جزئی از مقام‌های قضایی حوزه دادسرا و نهاد معاونت اجرای احکام انجام وظیفه می‌کند. البته اصالتاً اجرای احکام کیفری به عهده دادستان است و معاونت اجرای احکام کیفری تحت ریاست و نظارت وی، آن‌هم در مناطقی که رئیس قوه قضائیه تشخیص می‌دهد، در دادسرا می‌تواند واقع گردد (امیری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۵۰۰). به نظر می‌رسد تبعیت قاضی اجرای احکام کیفری از دادستان، استقلال و بی‌طرفی این قاضی را مخدوش و جریحه‌دار می‌کند. استقلال و بی‌طرفی قاضی اجرای احکام کیفری را باید از دو منظر بررسی کرد: نگاه نخست، ناظر بر استقلال و بی‌طرفی دادستانی است که قاضی اجرای احکام کیفری زیر نظر وی انجام وظیفه می‌نماید. نگاه دوم، استقلال و بی‌طرفی قاضی اجرای احکام کیفری در مقابل دادستان است که برای وی حق ریاست بر قاضی اجرای احکام کیفری پیش‌بینی شده است (طهماسبی، ۱۳۹۸، ص ۵۶-۵۷). ولی به هر حال، در نظام حقوقی ایران اجرای احکام کیفری زیر نظر دادستان انجام می‌شود و به این جهت، علی‌رغم انتقاد به این شیوه اجرا، قضات اجرای احکام کیفری نمی‌توانند مستقل از دادستان باشند.

بررسی سیر تحولات نهاد دادستانی عمومی نمایانگر این واقعیت است که وظیفه تاریخی دادستان عمومی که نقش خصمانه‌ای در برابر متهمان و محکومان ایفا می‌نماید (حومد، ۱۹۸۷، ص ۱۵۰-۱۶۲)، از تحقق بخشیدن به اصل استقلال و بی‌طرفی جلوگیری می‌کند. در حال حاضر،

تحولات صورت گرفته در دیوان اروپایی حقوق بشر و برخی از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه نشان دهنده تمایل جهانی به زیر سؤال بردن استقلال و بی طرفی نهاد دادستانی عمومی است (CEDH, 29 mars 2010). در پرونده آقای مدودیف و دیگران علیه فرانسه (CEDH, 23 novembre 2010, no37104/06)، دیوان اروپایی حقوق بشر، فرانسه را محکوم نمود و حکم محکومیت مبتنی بر این که، دادستانی عمومی از استقلال و بی طرفی کافی برخوردار نیست. دیوان عالی کشور فرانسه به نوبه خود از دیوان اروپایی حقوق بشر پیروی نموده است و دادستانی عمومی را نهاد قضایی مستقل و بی طرفی به حساب نمی آورد (Cass. Crim., 15 décembre 2010, n 207). در رابطه میان دادستان و قاضی اجرای احکام کیفری، با این که عده ای از حقوق دانان سعی بر این داشتند که از استقلال قاضی اجرای احکام کیفری در مقابل دادستان حمایت کنند، اما با این اوصاف، اذعان کردند که:

”هرچند قانون گذار گام های مثبتی در جهت مستقل و مطلوب اجرا برداشته است، اما نمی توان ادعا داشت قاضی اجرای احکامی که در دادسرا به انجام وظیفه می پردازد و اصول سلسله مراتبی و تجزیه ناپذیری در آن وجود دارد و قاضی اجرا، از منظر قضایی، معاون یا دادیار دادسرا و دادستان محسوب می شود و از منظر اداری، تحت نظارت مستقیم دادستان قرار دارد، از استقلال قضایی کافی برخوردار است (مؤذن زادگان، ۱۴۰۰، ص ۴۸-۴۹).“

به همین دلیل باید گفت که نحوه انتصاب قاضی اجرای احکام کیفری در حقوق ایران با الگوی قضایی شدن نظارت بر اجرای کیفر همخوانی ندارد و در پرتو مقررات فعلی نمی توان ادعا داشت که نظارت قاضی اجرای احکام کیفری نظارت قضایی، واقعی و هدفمند شمرده می شود.

۲-۱. صلاحیت محلی قاضی ناظر بر اجرای کیفر

صلاحیت محلی قاضی اعمال کننده مجازات ها در حقوق فرانسه همراه با پیشرفت و گسترش قضایی شدن نظارت بر اجرای کیفر دستخوش دگرگونی شده است. با شکل گیری نهاد قاضی اجرای مجازات در حقوق فرانسه به موجب اصلاح «امور»، سه قاضی اجرای مجازات در

سال ۱۹۴۶م در زندان‌های مرکزی^{۱۸} آنسیسیم، آگنو^{۱۹} و میلوز^{۲۰} مشغول به کار بودند (Renneville, 2013, p.15).

اصلاحیه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۹۵۸م، از قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها یاد کرده و تعداد آنان را افزایش داده است و چنین مقرر نمود:

” در دادگاه‌هایی که به موجب آیین‌نامه مشخص می‌گردد یک قاضی به انجام وظایف قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها اهتمام دارد.^{۲۱}

البته باید اشاره کرد که معیار پیش‌بینی شده در آیین‌نامه مزبور کاملاً معیاری جغرافیایی بود، بی‌آن‌که حوزه‌های قضایی یا مؤسسات کیفری را در نظر گیرد (Anis Besbes, 2010). این معیار باعث شد تا یک قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در قلمرو دو حوزه قضایی یا بیشتر انجام وظیفه نماید. از این رو، برخی از حقوق‌دانان اشاره کردند که همه دادگاه‌های عالی به اهمیت و ضرورت قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها اعتقاد راسخ نداشتند، زیرا در برخی از این دادگاه‌ها، قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها منصوب می‌شد. در مقابل، در برخی از دادگاه‌های دیگر چنین قاضی‌ای منصوب نشده بود، بلکه قضات اعمال‌کننده حوزه‌های قضایی دیگر در آن دادگاه‌ها انجام وظیفه می‌نمودند (بلغیث، ۲۰۰۸، ص ۷۲). قانون‌گذار فرانسه برای از بین بردن این وضعیت نابسامان، در سال ۱۹۷۲م صلاحیت محلی قضات اعمال‌کننده مجازات‌ها را گسترش داد و مقرر کرد که در هر دادگاه عالی یک یا چند قاضی نشسته، مکلف به انجام تکالیف قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها باشد و در هر مؤسسه کیفری که در حوزه قضایی آن دادگاه واقع شده باشد، انجام وظیفه می‌نمایند. بنابراین، معیار تعیین صلاحیت محلی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در حوزه قضایی دادگاه عالی که در آن مؤسسه کیفری محکوم‌علیه وجود دارد، صورت می‌پذیرد (art. 36-37 Loi n 72-1226).

18. Maisons centrales

19. Ensisheim

20. Haguenau

21. Mulhouse

22. Alinéa 1 de l'art.721 C.P.P. de 1958 avant la modification

du 29 de cembre 1972). به این ترتیب، بسیاری از خلأها برطرف شد. با این اوصاف، در پرتو این اصلاحات و بازنگری‌ها، برخی از مسائل بی‌پاسخ ماند. لذا قانون‌گذار فرانسه در سال ۲۰۰۴م و به مقتضای قانون سازگار کردن نهاد قضایی با تحولات بزهکاری «پرس ۲»، این احکام را بازنگری نمود و با توجه به وضعیت محکوم‌علیه، صلاحیت محلی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها را سازمان‌دهی کرد.

قانون‌گذار ایران، قواعد صلاحیت محلی قاضی اجرای احکام را به صورت پراکنده پیش‌بینی کرده و از شیوه قانون‌گذار فرانسه پیروی ننموده است، بلکه هنگام تعیین نقش قاضی اجرای احکام کیفری در نظارت بر یکایک مجازات‌ها و نهادهای ارفاقی به صلاحیت محلی این قاضی نیز پرداخته است. با این اوصاف، چنان‌که در ادامه مشخص می‌شود، قانون‌گذار ایران و فرانسه نسبتاً از معیارهای یکسانی برای تعیین صلاحیت محلی پیروی کرده‌اند.

۱-۲-۱. صلاحیت محلی نهاد ناظر در حالت بازداشت محکوم‌علیه

چنان‌که اشاره شد، طبق آخرین بازنگری قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در سال ۲۰۱۹م، در هر دادگاه قضایی یک یا چند قاضی نشسته مکلف‌اند وظایف قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها را بر عهده گیرند (Aliné a 1 de l'art. 712-2 C.P.P.). به نظر می‌رسد برای تعیین صلاحیت محلی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها، صلاحیت محلی دادگاه مدنظر قانون‌گذار بوده است، لکن صلاحیت محلی دادگاه به عنوان معیار اصلی تعیین صلاحیت محلی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها به تنهایی مورد پذیرش قرار نگرفته است، بلکه قانون‌گذار، محل وجود مؤسسه کیفری بازداشت‌کننده محکوم‌علیه را که در حوزه قضایی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها واقع شده است، به عنوان معیار اصلی تعیین مجازات تلقی کرده است. قانون‌گذار صریحاً مقرر کرده که از لحاظ صلاحیت محلی، قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در حوزه قضایی که در آن مؤسسه کیفری بازداشت‌کننده محکوم‌علیه واقع شده است، صلاحیت دارد (Aliné a 1 de l'art. 712-10 C.P.P.). در حقوق ایران، چنان‌که قبلاً اشاره شد، قانون‌گذار ایران قواعد صلاحیت محلی قاضی اجرای احکام را به صورت پراکنده پیش‌بینی کرده است. علی‌القاعده صلاحیت محلی قاضی اجرای احکام کیفری محدود به قلمرو دادرسی است که حکم در آن به اجرا گذاشته می‌شود (امیری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۵۰۱). طبق بند پ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی شیوه استقرار و اجرای وظایف معاونت اجرای احکام کیفری در زندان‌ها تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۴ ش، در صورتی که

محکوم علیه بازداشت شده باشد، قاضی مستقر که با دستور دادستان در زندان‌ها یا مؤسسات کیفری انجام وظیفه می‌کند، بر اجرای کیفر نظارت می‌نماید.

۱-۲-۲. صلاحیت محلی نهاد ناظر در صورت آزادی محکوم علیه

قانون‌گذار در حقوق فرانسه و ایران شمار زیادی از کیفرهای محدودکننده آزادی و همچنین نهادهای ارفاقی را که به مجازات سالب آزادی وابسته است، پیش‌بینی کرده است. اصولاً کیفرهای محدودکننده آزادی و نهادهای ارفاقی وابسته به مجازات سالب آزادی باعث آزادی محکوم علیه می‌شود. لذا قانون‌گذار ناچار شده است در این موارد نیز تعیین تکلیف نماید.

معیار اصلی تعیین صلاحیت محلی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها، در صورتی که محکوم علیه آزاد بوده باشد، محل اقامت دائم وی است و در صورتی که در فرانسه محل اقامت دائم نداشته باشد، قاضی اعمال‌کننده مجازات دادگاهی که رسیدگی به محکوم علیه را در درجه بدوی انجام داده است، صلاحیت پیدا می‌کند (Alinéa 1 de l'art. 712-10 C.P.P.). این معیار به نظر منطقی می‌رسد، زیرا به طور معمول، محکوم علیه پس از آزاد شدن به محل اقامتش روی می‌آورد، لکن تعیین صلاحیت محلی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها بر اساس محل اقامت دائم محکوم علیه، ممکن است با نوع و ماهیت اقدام مفروض هماهنگ و سازگار نباشد، زیرا ممکن است محل اقامت دائم محکوم علیه در خارج از محل اجرای اقدام واقع شده باشد. در این حالت، نظارت قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در محل اقامت دائم محکوم علیه طاقت فرسا و غیرممکن می‌شود. لذا قانون‌گذار فرانسه با توجه به نوع و ماهیت اقدام اتخاذشده، صلاحیت محلی قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها را مشخص کرده است. به این ترتیب، قانون‌گذار برای جلوگیری از معایب معیار محل اقامت دائم محکوم علیه، معیار محل وجود محکوم علیه را در پیش‌گرفته و مقرر کرده که چنانچه اقدام اشتغال در فعالیت‌های خارج از زندان (استقرار در خارج) یا اقدام نیمه‌آزادی باید در خارج از حوزه اختصاص قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها که آن اقدام را صادر کرده است، اجرا شود، محکوم علیه نام خود را در فهرست بازداشت‌شدگان نزدیک‌ترین محل اجرای اقدام، ثبت می‌نماید و قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در محل اجرای اقدام - در صورت نیاز - از اختیارات تعیین یا تعدیل شرایط اجرای اقدام، صادر کردن اقدام و یا پیشنهاد لغو معطوف بما سبق آن^{۲۳} که از اختیارات قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در

23. Retrait

حوزه قضایی محل وجود مؤسسه کیفری است، برخوردار می‌شود. همچنین هنگامی که حبس در منزل تحت نظارت الکترونیکی و یا آزادی مشروط مورد تأیید قرار گیرد، قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در حوزه قضایی که در آن، محل انجام نظارت الکترونیکی محکوم علیه یا محل اقامت دائم وی که در قرار قضایی صادره مشخص شده است واقع می‌شود، صلاحیت پیدا می‌کند (Aliné a 2-3 de l'art. 712-10 C.P.P.).

قانون‌گذار ایران در کیفرهای محدودکننده آزادی، محل اجرای کیفر را معیار دانسته است. نظارت بر اجرای کیفرهای تبعید و نفی بلد، اقامت اجباری در محل معین و ممنوعیت از اقامت در محل یا محل‌های معین از طریق اعطای نیابت قضایی به قاضی اجرای احکام کیفری در محل اجرای این کیفرها انجام می‌پذیرد. در نهادهای ارفاقی وابسته به کیفر سالب آزادی چون تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، معیار اصلی تعیین صلاحیت محلی قاضی اجرای احکام کیفری، محل اقامت محکوم علیه می‌باشد و در صورتی که اقامتگاه در حوزه قضایی دیگری غیر از حوزه قضایی دادگاه صادرکننده رأی باشد، محکوم علیه می‌تواند اجرای این موارد را در محل اقامت خود تقاضا نماید. در این صورت، قاضی مجری حکم، با اعطای نیابت به قاضی اجرای احکام حوزه اقامت وی، وظیفه نظارت بر اجرای این اقدامات را منتقل می‌نماید (ماده ۵۵۸ ق.آ.د.ک.). به نظر می‌رسد قانون‌گذار ایران از تعیین تکلیف در صورتی که محکوم علیه در ایران محل اقامت به دائم نداشته باشد، چشم‌پوشی کرده است.

۲. قلمرو نظارت نهاد قضایی متخصص

چنان‌که قبلاً اشاره شد، قانون‌گذار فرانسه صراحتاً مقرر کرده است که: نهاد قضایی اعمال‌کننده مجازات‌ها طبق شرایط پیش‌بینی شده در قانون، کیفیت و شیوه‌های اصلی اجرای مجازات‌های سالب آزادی و برخی از مجازات‌های محدودکننده آزادی را تعیین می‌کند. علاوه بر این، این نهاد قضایی می‌تواند به منظور تقویت نظارت بر اجرای مجازات، هر تغییری را که ضرورت پیدا کند، به عمل درآورد (Aliné a 1 de l'art. 712-1 et l'art. D49-27 C.P.P.). قانون‌گذار فرانسه در مقام تنظیم نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها بیشتر به دنبال اعمال مجازات‌ها بوده است تا نظارت بر اجرای آن. بدیهی است همه کیفرها مورد اعمال نظارت قرار نمی‌گیرد، بلکه کیفرهای مدت‌دار سالب و

محدودکننده آزادی را که نهادهای ارفاقی و تعهداتی را به دنبال می‌آورد، می‌توان مشمول اعمال نظارت کرد. بنابر آنچه گفته شد، می‌توان گفت که قانون‌گذار فرانسه نسبت به مجازات‌های مشمول نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها از رویکرد برگزیده (تحدید) پیروی نموده و دایره شمول این مجازات‌ها را به مجازات‌های سالب آزادی و برخی از مجازات‌های محدودکننده آزادی محدود کرده است.

در حقوق ایران، گونه‌شناسی انواع مجازات‌ها و اقدامات مشمول نظارت قاضی اجرای احکام کیفری در متن واحدی و به شیوه قانون‌گذاری فرانسه نیامده است. در واقع، دستیابی به جمع‌بندی در راستای مجازات‌ها و اقدامات تأمینی که مشمول نظارت قاضی اجرای احکام کیفری قرار می‌گیرند، آسان به نظر نمی‌آید، زیرا قواعد اجرای احکام کیفری در حقوق ایران تا حدودی پراکنده و در یک قانون پیش‌بینی نشده است. با وجود این، می‌توان از بخش پنجم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ش که تحت عنوان «اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی» قرار دارد و سایر آیین‌نامه‌های ذی‌ربط، استنباط کرد که قانون‌گذار وظیفه نظارتی قاضی اجرای احکام کیفری را به مجازات‌های سالب و محدودکننده آزادی محدود نکرده است، بلکه این وظیفه نظارتی، بسیاری از مجازات‌ها را دربرمی‌گیرد (بند ب ماده ۴۸۹، تبصره ۱ ماده ۵۳۹ و ماده ۵۴۳ ق.آ.د.ک.). بنابراین، می‌توان گفت که قانون‌گذار ایران در راستای مجازات‌های مشمول نظارت قاضی اجرای احکام کیفری از رویکرد نسبتاً فراگیر (اطلاق) پیروی نموده است.

به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی کیفرها بر اساس مدت اجرای آن در مباحث نظارت قضایی اهمیت ویژه پیدا می‌کند. در کیفرهای آنی، اجرای حکم محکومیت همان اجرای کیفر است، چراکه این کیفرها علی‌القاعده در یک لحظه اجرا می‌گردد، لکن در کیفرهای مدت‌دار اجرای حکم محکومیت به معنای آغاز اجرای کیفر است، زیرا اجرای این کیفرها به گذر زمان نیاز دارد. بنابراین، می‌توان گفت که نظارت بر اجرای کیفرهای مدت‌دار چالش‌های زیادی به دنبال دارد و باید در نظارت بر اجرای این موارد توجه بیشتری شود. گفتنی است که قانون‌گذار ایران و بسیاری از حقوق‌دانان، از عبارت اجرای حکم کیفری استفاده کرده‌اند، اما عبارت اجرای کیفر در ایران رایج نیست (جوانمرد، ۱۳۹۱، ص ۳۹؛ موسوی فرد و همکاران، ۱۳۹۶ش، ص ۲). از نظر

نگارندگان، در کیفرهای مدت دار بهتر است از اصطلاح «اجرای کیفر» استفاده شود، اما در کیفرهای آنی از اصطلاح «اجرای حکم محکومیت».

۱-۲. نظارت قضایی بر اجرای کیفرهای مدت دار

کیفرهایی که به گذر زمان، به عنوان عنصر لازم برای تحقق رنج و آزار نیاز دارد، کیفرهایی مدت دار به حساب می آیند. در این کیفرها باید مقام های قضایی به طور مداوم و مستمر بر اجرای آن نظارت نمایند. کیفرهای مدت دار شامل کیفرهای سالب و محدودکننده آزادی تردد و کیفرهای سالب و محدودکننده حقوق می گردد.

۱-۱-۲. نظارت بر اجرای کیفرهای سالب آزادی

مجازات سالب آزادی در حقوق فرانسه نقش بی نظیری ایفا می نماید و رایج ترین و گسترده ترین مجازات تلقی می گردد. مجازات های سالب آزادی جنایی عبارت اند از حبس جنایی ابد و اعتقال ابد، و یا حبس جنایی موقت و اعتقال موقت که مدت حداقل آن پانزده سال و حداکثر سی سال می باشد. قاضی می تواند مدت حداقل را تا ده سال کاهش دهد (art. 131-1 C.P.). گفتنی است که مجازات اعتقال صرفاً در جرایم از نوع جنایت سیاسی اعمال می گردد، اما مجازات سالب آزادی جنبه ای، حبس جنبه ای است که با توجه به مدت حداکثر آن به هشت درجه تقسیم می شود: حبس جنبه ای ده ساله، هفت ساله، پنج ساله، سه ساله، دو ساله، یک ساله، شش ماهه و دوماه (art. 131-4 C.P.). قانون گذار فرانسه برای جرایم از نوع خلاف، مجازات های سالب و محدودکننده آزادی را به عنوان مجازات اصلی پیش بینی نکرده است (art. 131-12 C.P.). بنابراین، مجازات های اصلی خلاف مشمول نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات ها نیستند، لکن مجازات کار عام المنفعه برای مدت بیست تا صد و بیست ساعت می تواند مجازات تکمیلی جزای نقدی خلاف درجه پنجم باشد، مانند برخی از تخلفات رانندگی (Aline a 2 de l'art. 131-17 C.P.). به این ترتیب، نهاد قضایی اعمال مجازات ها بر چنین مجازاتی نظارت می نماید (اوتانی، ۲۰۰۹، ص ۴۵۴). قانون گذار فرانسه به منظور کاهش اثرات منفی مجازات سالب آزادی نهادهای ارفاقی را پیش بینی کرده است که می توان آن ها را به نهادهای ارفاقی و شیوه های پراهمیت، کم اهمیت و فراگیرنده تقسیم کرد. نهادهای ارفاقی و شیوه های پراهمیت شامل دوره تأمینی و نظارت قضایی بر محکومان خطرناک و همچنین استقرار تحت نظارت الکترونیکی سیار به عنوان اقدام تأمینی

می‌باشد. نهادهای ارفاقی و شیوه‌های کم‌اهمیت که در مجازات‌های سالب آزادی سبک قابل اعمال می‌باشد، عبارت‌اند از آزادی تحت محدودیت،^{۲۴} تقسیم و تقسیط مجازات، نیمه‌آزادی، مرخصی خروج، اجازه خروج تحت الحفظ، استقرار تحت نظارت الکترونیکی، تعلیق مجازات و تعویق کیفردهی. افزون بر این، گروهی از نهادهای ارفاقی که در مجازات‌های سالب آزادی سبک و سنگین مورد اعمال قرار می‌گیرند، شامل تعلیق موقت مجازات، تخفیف مجازات، اشتغال در فعالیت‌های خارج از زندان (استقرار در خارج)، آزادی مشروط و تعقیب اجتماعی-قضایی می‌گردند. همه این موارد تحت نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که بازداشت موقت^{۲۵} و حضور در محل سکونت تحت نظارت الکترونیکی^{۲۶} که جایگزین بازداشت موقت است، مشمول نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها نیست. گرچه بازداشت موقت شباهتی ظاهری با مجازات سالب آزادی دارد، اما در مقابل، تفاوتی ماهوی در میان آن‌ها وجود دارد. قرار بازداشت موقت در حقوق فرانسه در موارد معین صادر می‌گردد، در صورتی که متهم در مظان ارتکاب جنایت یا جنحه‌ای که مجازات آن برابر با سه سال حبس جنحه‌ای یا بیشتر است، قرار گرفته و یا این‌که یکی از تعهدات کنترل قضایی یا حضور در محل سکونت تحت نظارت الکترونیکی را نقض کرده باشد (art. 143-1 C.P.P.). در حقوق فرانسه، اصولاً برای نظارت بر اجرای بازداشت موقت و بازداشتگاه‌ها یک قاضی به نام قاضی آزادی‌ها و بازداشت (JLD) پیش‌بینی شده است (Pinel, 2019, pp.29-30).

در حال حاضر، حقوق ایران تا حدی مشابه حقوق فرانسه به مجازات حبس توجه بیشتری کرده است. در عین حال، گسترش اعمال مجازات حبس، معایب اساسی نیز به دنبال دارد (کرمانی، ۱۳۸۵، ص ۹۲). از این رو، قانون‌گذار ایران نهادهای ارفاقی را پیش‌بینی کرده است تا معایب مجازات حبس کاسته شود و به حداقل برسد (رستمی، ۱۴۰۲، ص ۱۵۴). افزون بر این، قانون‌گذار به منظور هدایت مجازات حبس به سوی بازسازی و بازپروری محکوم علیه، به نظارت بر اجرای آن اهمیت خاصی قائل شده و در بند پ ماده ۱ و ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی شیوه استقرار

24. Libération sous contrainte (LSC)

25. Détention provisoire (DP)

26. L'assignation à résidence avec surveillance électronique (ARSE)

و اجرای وظایف معاونت اجرای احکام کیفری در زندان‌ها مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۴ ش لازم دانسته است که قاضی اجرای احکام کیفری به عنوان قاضی مستقر در زندان‌ها و مؤسسات کیفری حاضر باشد. در خارج از زندان نیز قاضی اجرای احکام کیفری با استمداد از مأموران مراقبتی، بر اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی نظارت می‌نماید (مواد ۵۵۵ - ۵۵۶ ق.آ.د.ک.).

۲-۱-۲. نظارت بر اجرای کیفرهای محدودکننده آزادی

در حقوق فرانسه کیفرهای محدودکننده آزادی از تنوع چشم‌گیری برخوردارند. معیار تفاوت بین کیفرهای سالب آزادی و کیفرهای محدودکننده آزادی، وسعت جغرافیایی محل اجرای کیفر و امکان برقراری ارتباط با دیگران است. مهم‌ترین مجازات‌های محدودکننده آزادی که زیر نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها قرار می‌گیرد، عبارت‌اند از: تعلیق مراقبتی^{۲۷} ایجاد شده در سال ۲۰۱۹ (Valentine, 2021, p.8)، مجازات کار عام‌المنفعه^{۲۸} و مجازات ممنوعیت از اقامت^{۲۹}. باید متذکر شد که قانون‌گذار فرانسه در فصل مربوط به نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها، اشاره کرده است که این نهاد بر همه مجازات‌های سالب آزادی و برخی از مجازات‌های محدودکننده آزادی نظارت می‌کند. عبارت قانون‌گذار در این زمینه قابل تحسین است، زیرا همه مجازات‌های محدودکننده آزادی در حقوق فرانسه، زیر نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها قرار نمی‌گیرد. از جمله مجازات دوره کارآموزی شهروندی^{۳۰} که مجازات جایگزین حبس جنحه‌ای محسوب می‌شود و به مقتضای آن، محکوم علیه ارزش‌های جمهوری فرانسه و تکالیف شهروندی را فرامی‌گیرد (art. 131-5-1 C.P.). در برخی از موارد، این مجازات به عنوان مجازات تکمیلی مجازات‌های خلاف - در موارد تصریح آیین‌نامه ذی ربط - به حساب می‌آید (art. 131-16 C.P.). البته باید اشاره کرد که مجازات دوره کارآموزی شهروندی، با این‌که مشمول نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها نیست، اما قانون‌گذار در برخی از موارد، این مجازات را یکی از تعهدات تعلیق مراقبتی پیش‌بینی کرده است و مادام که تعلیق مراقبتی مجازات

27. Sursis probatoire

28. Travail d'intérêt général (TIG)

29. Interdictions de séjour

30. Stage de citoyenneté

زیر نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها قرار می‌گیرد، قانون‌گذار ناچار شده مداخله قضایی اعمال‌کننده مجازات‌ها در دوره کارآموزی شهروندی را نیز مورد شناسایی قرار دهد (-art. 132 C.P. 45). در کنار این مجازات‌ها، مجازات ممنوعیت از خاک کشور نیز مشمول نظارت نهاد قضایی اعمال مجازات‌ها نمی‌باشد. مجازات ممنوعیت از خاک یا سرزمین فرانسه^{۳۱} بر علیه اتباع غیرفرانسوی که مرتکب جنایت یا جنحه شده‌اند، صادر می‌گردد. این مجازات می‌تواند به عنوان مجازات اصلی یا به عنوان مجازات تکمیلی جنحه‌ای باشد (-art. 131-30 a 131-30 C.P. 2).

در حقوق ایران، کیفرهای محدودکننده آزادی، موارد متعددی را شامل می‌شود. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: تبعید و نفی بلد، محرومیت از سکونت در نوار مرزی، ممنوعیت از خروج اتباع ایران از کشور، اخراج بیگانگان از کشور، اقامت اجباری در محل معین و ممنوعیت از اقامت در محل یا محل‌های معین، کیفرهای محدودکننده آزادی (ماده ۲۳ ق.م.ا.). قواعد مربوط به نظارت قضایی اجرای احکام کیفری بر اجرای این کیفرها، به صورت پراکنده پیش‌بینی شده است. نظارت بر محکومانی که در محل تبعید یا در محل اقامت اجباری به سر می‌برند، بر عهده قضایی اجرای احکام کیفری است (ماده ۵۴۶ ق.آ.د.ک.). مجازات ممنوعیت از اقامت نیز تحت نظارت قضایی اجرای احکام کیفری و با کمک نیروی انتظامی اجرا می‌گردد. ممنوعیت خروج اتباع ایران از کشور و اخراج بیگانگان از کشور نیز زیر نظارت قضایی مزبور قرار می‌گیرد (مواد ۸، ۱۴ و ۱۵ آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۳ ش راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ ش).

۲-۲. نظارت بر اجرای کیفرهای آنی

کیفرهایی که مستلزم گذر زمان به عنوان عنصر لازم جهت تحقق رنج و آزار نیستند، کیفرهایی آنی تلقی می‌گردند. در این کیفرها همان مقام‌های مجری حکم کیفری الزاماً بر اجرای آن نظارت دارند. بنابر این تعریف، می‌توان گفت در حقوق ایران کیفرهای مالی، بدنی و سالب حیثیت زیر دسته کیفرهای آنی قرار می‌گیرند.

کیفرهای مالی شامل دیه، جزای نقدی، ضبط و مصادره اموال می‌شود. قانون‌گذار ایران نسبت به نظارت بر اجرای کیفرهای مالی یا به اصطلاح قانون‌گذار اجرای محکومیت‌های

31. Interdiction du territoire français (ITF)

مالی، از رویکرد واحدی پیروی نکرده است. جزای نقدی تحت نظارت قضایی اجرای احکام کیفری، اجرا می‌گردد، چراکه قانون‌گذار مداخله این قضایی در اجرای جزای نقدی و نظارت بر کسر ایام بازداشت قبلی را تصریح نموده است (تبصره‌های ۱ و ۳ ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک.) و همین نظارت را بر اجرای دیه نیز جاری می‌داند (ماده ۵۳۳-۵۳۴ ق.آ.د.ک.). معاونت اجرای احکام کیفری، به تصریح قانون‌گذار، مکلف است دستورات دادستان و آرای لازم‌الاجرای دادگاه‌های کیفری را در مورد ضبط و مصادره اموال، جزای نقدی، وصول دیه و موارد ذی ربط اجرا نماید (ماده ۵۳۷ ق.آ.د.ک.). از این رو، معاونت اجرای احکام کیفری نیز بر اجرای کیفرهای مالی نظارت می‌کند، زیرا اجرای کیفرهای آنی به معنای نظارت بر اجرای آن است.

کیفرهای بدنی در حقوق ایران جلوه‌های متعددی دارد که عبارت‌اند از: قصاص، اعدام، رجم، صلب، تازیانه و قطع عضو (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۵۳). قانون‌گذار لازم دانسته است که در حین اجرای مجازات قصاص نفس، علاوه بر حضور برخی از مقام‌ها، قضایی اجرای احکام کیفری نیز حضور داشته باشد (ماده ۵۴۳ ق.آ.د.ک.). در موارد اجرای مجازات سنگسار نیز قضایی اجرای احکام کیفری مکلف است احکام و فعالیت اجرا را بررسی و تأیید نماید (ماده ۵۴ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات [...] مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۷ ش). هنگام اجرای مجازات قصاص عضو، حضور قضایی اجرای احکام کیفری در کنار اشخاص دیگر ضروری است و قضایی اجرای احکام کیفری نظارت بر صحت اجرا و رعایت تشریفات لازم را بر عهده می‌گیرد (مواد ۸۰-۸۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات [...] مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۷ ش). اجرای حکم شلاق با نظارت قضایی اجرای احکام کیفری انجام می‌پذیرد و نماینده وی آن را شمارش می‌کند (ماده ۱۲۷ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات [...] مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۷ ش)، لکن آیین‌نامه پیش‌گفته در تنظیم و سامان‌دهی نحوه اجرای مجازات صلب هیچ اشاره‌ای به نقش قضایی اجرای احکام کیفری نداشته است (مواد ۵۸-۵۹ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات [...] مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۷ ش).

کیفرهای سالب حیثیت در حقوق ایران عبارت‌اند از: اعلان حکم با نصب پارچه یا پلاکارد در محل وقوع جرم، اعلام نام در جراید، معرفی از رسانه‌های گروهی و انتشار حکم محکومیت قطعی از رسانه‌ها (اردبیلی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۲-۱۰۳). شایان ذکر است که قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی (۱۳۶۷ ش)، قانون الزام شرکت‌ها و مؤسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه (۱۳۶۸ ش) و قانون مجازات اسلامی

(۱۳۹۲ش) به پیش‌بینی این مجازات‌ها بسنده کرده است، بی‌آنکه از قاضی و معاونت اجرای احکام کیفری صراحتاً سخن گوید. لذا باید قائل به نظارت همان مقام‌های مجری حکم کیفری باشیم که طبق ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری معاونت اجرای احکام کیفری در زمره این مقام‌هاست. این نظارت بر مجازات تراشیدن مو نیز صادق است.

نتیجه‌گیری

اصل تخصصی شدن قاضی ناظر بر اجرای کیفر، در واکنش به شکست نظارت اداری، نظارت دادستانی عمومی و سایر مقام‌های قضایی صورت پذیرفته است. این اصل ماهیت اداری فرایند اجرای کیفر را انکار نمی‌کند، بلکه قصد دارد به تلاش‌های مقام‌های اداری و قضایی مجری کیفر سامان دهد.

به موازات انتقاد به نظارت اداری بر فرایند اجرای احکام کیفری توجیهات فراوانی برای دخالت نهاد قضایی متخصص در مرحله اجرای کیفر ارائه شده است، از جمله: ضرورت رفع اشکالات و ایرادات اجرایی که مستلزم مداخله مقام قضایی متخصص است. همچنین ضرورت توسعه فرایند دادرسی و رعایت اصول ترافع به فرایند اجرای حکم که طرف‌داران زیادی دارد. به علاوه اجتناب ناپذیر بودن امور مستحدثه مانند نیابت قضایی در فرایند اجرا که مستلزم اظهار نظر قضایی است. به هر حال، هر توجیه و تعلیلی که در خصوص ضرورت مداخله مقام قضایی متخصص در فرایند اجرای حکم کیفری صورت پذیرد، به عنوان یک اصل مبتنی بر رعایت عدالت و درک شرایط محکوم علیه به عنوان عامل انسانی، توجه به آن در حال حاضر واقعیتی انکارناپذیر است.

در مقام مقایسه قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها در حقوق فرانسه با قاضی اجرای احکام کیفری در حقوق ایران به نظر می‌رسد قاضی اعمال‌کننده مجازات‌ها از استقلال و بی‌طرفی کافی برخوردار است، زیرا از میان قضات نشسته دادگاه برگزیده شده است و تابع رأی دادستان و قضات بالاتر نیست، اما قاضی اجرای احکام کیفری ایران به دلیل این‌که تحت ریاست دادستان انجام وظیفه می‌نماید، استقلال و بی‌طرفی لازم را ندارد و قهراً باید خواسته دادستان را در خصوص نحوه اجرای حکم اجابت کند.

با توجه به الگوی قضایی و تخصصی شدن نظارت بر اجرای کیفر، چنین برمی آید که رویکرد قانونگذار فرانسه به مراتب با این الگو انطباق دارد و می توان گفت نظارت قضایی اعمالکننده مجازات ها در حقوق فرانسه نظارت قضایی، واقعی و هدفمند شمرده می شود. این در حالی است که قضایی اجرای احکام کیفری در حقوق ایران با دادیار اجرای احکام تفاوت آن چنانی ندارد و در پرتو مقررات فعلی، نظارت وی از نظارت قضایی، واقعی و هدفمند تا حد زیادی فاصله دارد. از این رو پیشنهاد می شود قانونگذار ایران مقامی قضایی به نام «قاضی ناظر متخصص» را پیش بینی کند. قاضی ناظر باید از قضات نشسته که دارای رتبه برترند، برگزیده شود و از اصول و ویژگی های قضایی مانند استقلال، بی طرفی، سابقه خدمت قضایی و علم و اطلاع کافی از علوم معین حقوق کیفری مانند جرم شناسی، جامعه شناسی و روان شناسی و نیز باید ها و نبایدهای کیفری برخوردار باشد. افزون بر این، باید اختیارات الزام آور و جایگاه بالاتری نسبت به مقام های مجری برای وی پیش بینی شود. قاضی ناظر بر اجرای همه مجازات ها، خواه آنی باشد، خواه مدت دار، نظارت می نماید و دادستان مکلف است هماهنگی لازم را در خصوص نظارت این قاضی انجام دهد. در کیفرهای سالب و محدودکننده آزادی، قاضی ناظر لازم است با هدف تحقق بخشیدن به اصلاح و بازسازی محکومان نظارت خود را اعمال کند.

فهرست منابع

۱. اردبیلی، محمد علی. (۱۴۰۳ش). حقوق جزای عمومی، (ج ۳، چ ۲۹). تهران: میزان.
۲. احمدی موحد، اصغر. (۱۳۸۶ش). اجرای احکام کیفری، (چ ۲). تهران: میزان.
۳. امیری، مهدی؛ رضائی، احمد؛ گلدوزیان، ایرج؛ صلاحی، سهراب. (۱۳۹۷ش). مطالعه تطبیقی جایگاه نهاد اجرای احکام در نظام کیفری ایران، فرانسه و انگلستان. مطالعات حقوق تطبیقی، ۹(۲)، ص ۴۹۳-۵۱۹. <https://doi:10.22059/jcl.2017.243924.633561>
۴. انسلی، مارک. (۱۳۹۵ش). دفاع اجتماعی، (ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری). تهران: گنج دانش.
۵. اوتانی، صفاء. (۲۰۰۹م). العمل للمنفعة العامة فی السياسة العقابية المعاصرة؛ دراسة مقارنة. مجلة جامعة دمشق للعلوم الاقتصادية والقانونية، ۲۵(۲)، ۱۲۹-۱۶۲.
۶. بلغیث، سمیه. (۲۰۰۸م). مبدأ التدخل القضائي فی مرحلة تنفيذ الجزاء الجنائي. پایان نامه کارشناسی. گروه القانون الجنائي (حقوق کیفری)، معهد العلوم القانونية و الإدارية، المركز الجامعی محمد العربی بن مهیدی، أم البواقی.
۷. جعفرزاده، فخرالدین. (۱۳۸۷ش). اجرای احکام کیفری در حقوق ایران و فرانسه. اصفهان: دادیار.
۸. جوانمرد، بهروز. (۱۳۹۱ش). اجرای احکام کیفری در نظام دادرسی ایران در پرتو ملاحظات حقوق بشری با تأکید بر اسناد بین المللی. فصلنامه قضاوت، ۱۲(۷۷)، ۳۹-۴۴. <https://api.semantic-scholar.org/CorpusID:189285781>
۹. حومد، عبدالوهاب. (۱۹۸۷م). أصول المحاکمات الجزائية، (چاپ ۴). دمشق: المطبعة الجديدة.
۱۰. خالقی، علی. (۱۴۰۲ش). نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری. تهران: شهر دانش.
۱۱. خالقی، علی. (۱۴۰۳ش). آیین دادرسی کیفری، (ج ۱). تهران: شهر دانش.
۱۲. رستمی، هادی. (۱۴۰۲ش). ارزیابی نهادهای ارفاقی در سیاست جنایی ایران (با تأکید بر گسترش افراطی و ناکارآمدی). آموزه‌های حقوق کیفری، ۲۰(۲۵)، ۱۵۳-۱۷۸. <https://doi:10.30513/cld.2023.1735>
۱۳. رودسرابی، حسن. (۱۳۹۱ش). قضایی شدن اجرای احکام کیفری. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
۱۴. سبزواری، زهرا. (۱۳۸۶ش). قضایی شدن مرحله اجرایی مجازات سالب آزادی در حقوق ایران و فرانسه. رساله دکتری، رشته حقوق جزا، دانشکده فقه و حقوق جزا، مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری. تهران.
۱۵. سیدهم، رفیق اسعد. (۱۹۸۶م). دور القاضی الجنائي فی تنفيذ العقوبة؛ دراسة مقارنة. رساله دکتری، گروه القانون الجنائي (حقوق کیفری)، دانشکده الحقوق، دانشگاه عین شمس. قاهره.

۱۶. ضریف، شعیب. (۲۰۱۹م). **آليات تنفيذ العقوبة السالبة للحرية**. رسالة دكتوری، گروه القانون الجنائي وعلم الاجرام (حقوق کیفری و جرم شناسی)، دانشکده الحقوق، دانشگاه الجزائر. جزائر.
۱۷. طهماسبی، جواد. (۱۳۹۸ش). **آیین دادرسی کیفری (اجرای احکام کیفری)**، (ج ۴). تهران: میزان.
۱۸. فتیحی، مرتضی؛ اقبالی، عباس. (۱۳۹۵ش). **وظایف قاضی اجرای احکام کیفری در قوانین جزایی ایران. اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی**، ۱-۱۴. <https://civilica.com/doc/668274>
۱۹. کرمانی، عارفه مدنی. (۱۳۸۵ش). **اجرای احکام کیفری**. تهران: مجد.
۲۰. کوشا، جعفر. (۱۳۸۹ش). **جرایم علیه عدالت قضایی**. تهران: میزان.
۲۱. موسوی فرد، سید محمدرضا؛ اختری، سجاد؛ اسدی، راضیه؛ مؤمنی، سجاد. (۱۳۹۶ش). **وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام. اولین کنفرانس بین المللی علوم اجتماعی، تربیتی علوم انسانی و روان شناسی**، تهران، شرکت بین المللی کوشا، ۱-۱۳. <https://civilica.com/doc/676702>
۲۲. مؤذن زادگان، حسنعلی؛ جهانی، بهزاد. (۱۴۰۰ش). **ساختار اجرای احکام کیفری ایران در پرتو اصل استقلال قضایی. پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی**، ۹ (۱۸)، ۳۱-۵۵. <https://doi.org/10.22034/jclc.2021.268731.1459>
۲۳. نظری، زهرا. (۱۴۰۲ش). **نقش قاضی اجرای احکام کیفری در بازدارندگی و فردی کردن مجازات. فصلنامه تمدن حقوقی**، ۶ (۱۷)، ۱۵۱-۱۶۸. <http://doi.org/10.22034/lc.2023.424456.1409>
۲۴. وزیر، عبدالعظیم مرسى. (۱۹۷۸م). **دور القاضی فی تنفيذ الجزاءات الجنائية**. قاهره: دار النهضة العربية.
۲۵. یاسین، السید. (۱۹۷۳م). **السياسة الجنائية المعاصرة: دراسة تحليلية لنظرية الدفاع الاجتماعي**. قاهره: دار الفكر العربی.
26. Anis Besbes, Mohammed. Le JAP: Une véritable juridiction de l'application des peines, (Village de la Justice, 22 novembre 2010). **Accédé en janvier**. 10, 2025, disponible sur le site: <https://www.village-justice.com/articles/veritable-juridiction-application,9090.html>
27. Carlier, Christian, (2009). Histoire des prisons et de l'administration pénitentiaire française de l'Ancien Régime à nos jours. **Criminocorpus**, 2(5) 1-30. <https://doi.org/10.4000/criminocorpus.246>
28. Cass. Crim., 15 décembre 2010, Bull. Crim. n 207.
29. CEDH, Affaire Medvedyev et autres c. France, Grande Chambre, 29 mars 2010, Requête no3394/03.
30. CEDH, Affaire Moulin c. France, Cinquieme Section, 23 novembre 2010, Requête no37104/06.

31. Collet, Philippe. (2016). La conception de l'impartialité du juge par la chambre criminelle de la Cour de cassation. *Revue de science criminelle et de droit pénal comparé*, 3(3), 485-504. <https://doi.org/10.3917/rsc.1603.0485>.
32. Coumont, Mélanie (2017). *Le rôle du ministère public dans l'exécution de la peine*. Mémoire de Master, Institut de Droit et Economie d'Agén, Université de Bordeaux.
33. De la Cuesta, José Luis, 2015. Résolutions des Congrès de l'Association Internationale de Droit Pénal (1926 - 2014). 2015, 86ème année - nouvelle série 1er et 2ème trimestres 2015, Paris: Revue internationale de droit pénal.
34. Goudarzi, Mohammad Reza. (2011). *La peine privative de liberté - Étude de Droit comparé Franco-Iranien*. Thèse de Doctorat, Faculté de Droit, Sciences Économiques et Gestion- École doctorale des Sciences Juridiques, Politiques, Économiques et de Gestion (SJPEG), Université Nancy 2.
35. Gramatica, Filippo (1964). *Principes de Défense Sociale*. Paris: Cujas.
36. Hedhili-Azéma, Hinda (2019). La réforme d'administration pénitentiaire Amor de mai 1945. *Criminocorpus*, 3(7), 1-9. <https://doi.org/10.4000/criminocorpus.6244>
37. Kramer, Pierre. (2005). La loi Perben II et les évolutions de la justice pénale. *Études*, 402(2), 175-183. <https://doi.org/10.3917/etu.022.0175>.
38. Pinel, Valérine (2019). *La détention provisoire et son impact sur les droits des justiciables*. Mémoire de Master, Faculté de Droits, Université de Laval à Québec.
39. Renneville, Marc (2013). Que tout change pour que rien ne change? Aux origines de la judiciarisation de l'exécution des peines en France (1789-1958). *Criminocorpus*, 1(4), 1-22. <https://doi.org/10.4000/criminocorpus.2517>
40. Valentine, Legrand (2021). *Le travail d'intérêt général, une peine en pleine evolution*. Mémoire de Master, Faculté de Droits et de science politique, Université de Aix-Marseille.